بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مطهرات حکم اوانی و ظروف جلسه23,...23/4/1400

مساله دوازده : بعضی از علما فرمودند اگر کسی به خادمش امر کند که چای را از قوری طلا یا نقره در فنجان فِرفوری ( شبیه هیکل بز یا گوسفند ) واین خادم فنجان را نزد مهمان ببرد هم خادم و هم آمر معصیت کرده اند و اما مهمانی که از این فنجان چای را خورده به نظر سید بعید نیست که او هم معصیت کرده چون عمل ایشان هم به نوعی استعمال از قوری طلا و نقره است

عده ای از مراجع در ذیل این مساله نوشته اند که شارب چای بعید است که گناهی کرده باشد اما آمر و خادم معصیت کرده اند آما خادم معصیت کرده چون که از قوری طلا و نقره چایی بر فنجان ریخته است این استعمال ، استعمال مباشری است و خودش انجام داده است

درباره علت معصیت آمر دو بحث است : یکی اینکه این را استعمال تسبیبی صدق می کند نه مباشری یعنی او سبب شده که خادم از قوری طلا و نقره استفاده کند چنانچه اقای خویی ره فرموده و دوم اینکه آمر امر به منکر کرده است و روایات باب نهی از منکر او را گناه کار می داند که بجای نهی از منکر ، امر به منکر کرده است

اما مهمانی که چایی را از قوری فرفوری خورده گناهی نکرده چون مشمول اخبار ناهیه نیست چون اخبار ناهیه دو دسته بودند ، دسته اول : ما را از اکل و شرب از ظرف طلا و نقره نهی کرده بر طبق مضمون این دسته مهمان از فنجان فرفوری چای خورده پس گناهی نکرده است

دسته دوم : روایاتی که نهی از ظرف طلا و نقره کرده اند که در آنجا دو تا احتمال بود ، احتمال اول که اکل و شرب در تقدیر باشد و احتمال دوم : مطلق استعمال مقدر باشد و چون شارب از فنجان غیر طلا شرب کرده نه از قوری طلا و نقره مصداق نهی واقع نشده و معمولا آنچه متعارف است این است که در قوری چایی را دم می کنند و استعمال همان طبخ چایی است و کسی از قوری چایی نمی خورد چون به شارب چای مستَعمِل نمی گویند پس به هیچ وجه مهمان که از فنجان و استکان چایی خورده گناهی نکرده است

مساله سیزدهم : اکل و شرب از ظرف طلا و نقره حرام است اما خود ماکول و مشروب حرام نیست حالا اگر به قصد تخلص از حرام ماکول یا مشروب را از ظرف طلا یا نقره به ظرف دیگری خالی کند آیا اشکالی دارد یا نه ؟

مرحوم سید فرمودند اشکالی ندارد و اکل و شرب از آن ظرف حرام نیست ، توضیح این مساله این است که در مساله یازدهم بحث شد که استفاده از ظرف طلا یا نقره برای اکل و شرب با واسطه حرام است مثل دیگ و سماور که با ملاقه از دیگ ، کسی غذا بر دارد حرام است چون متعارف نیست که از خود دیگ و سماور بخورند و این استعمال حرام است وقتی غذا را از دیگ یا دورن سینی یا بشقاب خالی می کند این کار به نوعی استعمال است یا آب سماور را در قوری ریخته می شود و روایات ما را از استعمال نهی کرده و فرقی بین تخلص از حرام و غیر آن گذاشته نشده چون قصد ، واقع را عوض نمی کند و حقیقتا این تفریغ استعمال است و قصد هم بکند باز هم استعمال است و حرام است

اما مساله دوازده اشاره دارد به اینکه غذا را از دیگ طلا یا نقره به دیگ دیگری انتقال داده شود و این عمل حرام نیست چون از ظرف اول اعراض می شود به انگیزه اینکه مرتکب حرام نشود و اعراض از ظرف اول بخاطر تخلص از حرام استعمال نیست و روایات ناهیه ما را از استعمال نهی کرده نه از اعراض ظرف اول و می خواهیم از ظرف طلا و نقره اعراض کنیم

اشکال استاد : آن سماور طلا یا نقره را به اختیار خودش اشغال کرده و قصد تخلص از حرام اشغال به اختیار خودش را از استعمال عرفی بیرون نمی برد بلکه این اشغال مثل مساله یازدهم استعمال است و در آنجا بحث شد که اگر تفریق نتیجه نداشت نه عرفیه و نه شرعیه مثل اینکه سطل آب را درون چاه ریخت که نه آب اضافه شده است و این تفریغ استعمال نیست اما اگر خالی کردن دارای نتیجه ای باشد استعمال است مثل اینکه آب سماور را در کتری بریزد در اینجا هم تفریغ و هم استعمال است بله اگر اشغال این سماور طلا به اختیار خودش بود و بعد پشیمان شد و برای جبران توبه آب این سماور را درون سماور دیگری ریخت در اینجا کار حرامی انجام نداده و تخلص از حرام صدق می کند و عمل او مباح و جایز است چون مصداق آیه تابوا و اصلحوا است و اصلاح هم همین است

خلاصه نظر استاد : تخلص در دو مورد حرام نیست :

مورد اول : آنجایی که اشغال ظرف طلا و نقره به اختیار خودش نباشد

مورد دوم : قصد تخلص و اعراض از ظرف اول از حرام در صورتی است که توبه کرده است لذا در این دو صورت تخلص عنوان عقلایی و شرعی دارد وگرنه اگر عمدا آب را در ظرف طلا بریزد بعد در ظرف دیگری خالی کند این عمل استعمال است و این همان تجری است